

در باره ائتلاف با نیروهای غیر سوسیالیستی

ما باید منطق سیاست های ائتلافی مان را منسجم تر کنیم. در این زمینه دو مسئله اهمیت اساسی دارد:

اول- منطق کلی ائتلاف چپ(سوسیالیستی) با جریانهای غیرسوسیالیستی.

در این مورد باید به دو سؤال مهم پاسخ داد.

سؤال اول این است که آیا چپ اصلاً می تواند با نیروهای غیرسوسیالیست وارد ائتلاف ، همکاری و یا همراهی بشود؟ پاسخ این سؤال قطعا" مثبت است. زیرا مخالفت اصولی با هر نوع ائتلاف میان این دو مسلماً" چپ را به انزوا و فلج شدگی می کشاند.

سؤال دوم این است که آیا ائتلاف میان طرفداران سوسیالیسم و نیروهای غیرسوسیالیست، خواسته یا ناخواسته به حاشیه رانده شدن پیکارهای طبقاتی(یعنی بستر اصلی شکل گیری و گسترش جنبش سوسیالیستی) نمی انجامد؟ پاسخ این است که آری در غالب موارد چنین ائتلاف هائی پیکارهای طبقاتی را به حاشیه می راند و خواسته و یا ناخواسته در سطوحی به آشتی طبقاتی می انجامد و آشتی طبقاتی در جامعه طبقاتی همیشه به ضرر طبقه کارگر و چپ می انجامد. برای گریز از چنین خطری طرفداران سوسیالیسم باید از شرکت در هر نوع بلوک فراطبقاتی، یا ائتلاف عمومی سیاسی و پایدار(یعنی "جبهه" سازی های رایج) با جریانهای غیرسوسیالیست خودداری کنند و به آشتی طبقاتی میان بهره کشان و کارگران و زحمتکشان (حتی به صورت موقت) تن ندهند.

دوم- شرایط مشخص ائتلاف میان چپ و جریانات غیرسوسیالیست در چشم انداز کنونی میدان سیاست ایران این مسئله ناظر به اصول نیست، ناظر به ارزیابی از شرایط مشخص است. سؤال این است که در شرایط کنونی ضعف چپ ، قاعدتا" چه نیروئی شرایط ائتلاف را تعیین می کند، چپ یا نیروهای غیرسوسیالیست؟ ما باید از شرایط مشخص هر ائتلاف ارزیابی روشنی داشته باشیم. ائتلاف با نیروهای غیرسوسیالیست یک فریضه مذهبی نیست که ما مجبور به انجامش باشیم. هدف ائتلاف همیشه این است که نفوذ خودمان را به عنوان یک نیروی طرفدار سوسیالیسم (و نه صرفاً" به عنوان یک نیروی سیاسی) گسترش بدهیم و یا شرایط عمومی را برای گسترش جنبش سوسیالیستی یا لاقابل بهبود شرایط زندگی پایه های اجتماعی آن، مساعدتر سازیم؛ و گر نه ائتلاف با غیر سوسیالیست ها به ضرر ما تمام خواهد شد. هر چند که ما را صرفاً" به عنوان یک نیروی سیاسی در میان غیرسوسیالیست ها به نیروی مقبول تری تبدیل کند. با این ملاحظات پاسخ به سؤال بالا باید چنین باشد که در اوضاع کنونی شرایط ائتلاف با غیرسوسیالیست ها را ما تعیین نمی کنیم آنها هستند که تعیین می کنند. بنابراین حتی برای بهبود شرایط ائتلاف با غیرسوسیالیست ها هم که شده، ما باید روی تقویت جنبش سوسیالیستی و پایه های طبقاتی آن متمرکز شویم. و حداقل لازم برای این کار، در شرایط امروز ایران و جهان، بیش از هر چیز دیگر تمرکز بر روی مقابله با نئولیبرالیسم(اقتصادی)، و تلاش برای تقویت جنبش اجتماعی کارگران و زحمتکشان است. رها کردن این حلقه کلیدی جز نابودسازی چپ معنی دیگری نخواهد داشت، حتی اگر در پوشش سرخ ترین شعارها صورت بگیرد. این حداقل است که رابطه ما را با نیروهای غیرسوسیالیست به آزمون می کشد. در شرایط کنونی ضعف چپ، آنها در هیچ ائتلافی این تمرکز ما روی خواست ها و نیازهای پایه طبقاتی مان را به ما نخواهند بخشید. جریانهای بورژوائی در اپوزیسیون جمهوری اسلامی، البته روی کاغذ از ضرورت بهبود شرایط زندگی مردم و تامین اجتماعی حرف می زنند. چرا که چنین حرفهائی حالا مالیاتی ندارد. اما بهبود شرایط زندگی زحمتکشان فقط با نیروی مستقل خود آنها

شدنی است. و این چیزی است که آنها هرگز با آن کنار نخواهند آمد. مخصوصاً اگر چنین جنبشی جهت گیری طبقاتی روشنی داشته باشد.

خط کلی سیاست های ائتلافی ما در شرایط کنونی

با توجه به دو ملاحظه ای که در بالا گفته شد ما ناگزیریم در شرایط کنونی ، ائتلاف با غیرسوسیالیست ها عملاً به حوزه های زیرمحدود کنیم.

الف- ائتلاف هایی که مسئله قدرت سیاسی را به طور مستقیم در کانون فعالیت هایشان قرار نمی دهد. همه تشکل های دفاع از آزادی ها، دفاع از زندانیان سیاسی، مبارزه علیه نابرابری های جنسی و ملی که غالباً هم تشکل های غیرحزبی هستند و سازمان های حزبی به عنوان سازمان در آنها شرکت نمی کنند بلکه اعضای این سازمان ها و نیز غیرسازمانی ها در آنها بر پایه یک فرد یک رای شرکت دارند.

ب- ائتلاف های که برای سازماندهی اقدام مشخص و یا مطرح کردن خواست و مسئله ای مشخص شکل می گیرند و به تشکل های پایدار نمی انجامند. مثلاً راه اندازی یک تظاهرات مشخص علیه جمهوری اسلامی حالا عملاً هم این ها بخش اعظم ائتلاف هایی را تشکیل می دهند که فعالان چپ با غیرسوسیالیست ها سازمان می دهند و جالب این است که در این دو حوزه وزن فعالان چپ نسبتاً بالاست.

ج- فروم اجتماعی پیشنهادی سازمان ما که در کنگره های قبلی مان به تصویب رسیده است نیز در حقیقت مستلزم شکلی از همکاری با غیرسوسیالیست هاست. زیرا هر چند فروم اجتماعی بر پایه پیوند جنبش های اجتماعی رادیکال و بر مبنای پیکار برای دموکراسی و ضدیت با نئولیبرالیسم و امپریالیسم شکل می گیرد ولی مسلم است که دموکرات های غیرسوسیالیست هم نه تنها می توانند بلکه باید تلاش شود که در آن شرکت داشته باشند.

درباره " فروم دموکراتیک "

طرح فروم دموکراتیک که در کنگره های پیشین سازمان ما تصویب شد نه تنها در شرایط کنونی سیاست ایران عملاً نمی تواند پا بگیرد بلکه با توجه به ضعف بی سابقه چپ آن را به زائده بورژوازی تبدیل می کند. در شرایط کنونی ، نیروهای سوسیالیست حتی اگر در یک ائتلاف جنبشی با غیرسوسیالیست ها همکاری کنند عملاً به زائده آنها تبدیل خواهند شد و نخواهند توانست تاثیری بر اوضاع سیاسی کشور بگذارند. مگر این که مبنای ائتلاف با تاکید بر مبارزه ضدنئولیبرالی و ضدامپریالیستی باشد. امری که در طرح فروم دموکراتیک مورد نظر ما نبوده است. در طرح فروم دموکراتیک با این که ما درک درستی از منطق ائتلافی چپ با نیروهای غیرسوسیالیست داشتیم (و بنابراین از اول تاکید می کردیم که ائتلاف نباید ناظر بر تجدید سازمان قدرت سیاسی بورژوائی باشد) ولی شرایط مشخص کنونی را که با ضعف عمومی چپ در مقابل نیروهای غیرسوسیالیست و مخصوصاً ضدسوسیالیست قابل تعریف است نادیده می گرفتیم.